

مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم

دکتر مه‌نوش بزرگدلی

عضو هیات علمی دانشکده شهید
بهشتی

دانشجوی کارشناسی ارشد
دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده

اینما کنتم « (علم الهدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴)

بر اساس یافته های پژوهش مجموعه شاخص ها و معیارهای تربیت اسلامی که از آیات قرآن استنباط می شود را میتوان تحت سه مؤلفه فرایندهای ذهنی، رفتار و تمایلات دسته بندی کرد شاخص های ذیل هر مؤلفه عبارتند از: مؤلفه فرایندهای ذهنی شامل شاخص های: علم و دانش، تفکر و تعقل، معرفت و بصیرت، نقد و ارزیابی، مؤلفه رفتار شامل شاخص های: تعهد و مسؤلیت شناسی اجتماعی، عمل گرایی، عفت و پاکدامنی، امر به معروف و نهی از منکر، عبادت، مؤلفه تمایلات شامل شاخص های: حب الهی، ولایت پذیری. اگر چه این شاخصها تحت سه مؤلفه دسته بندی شدند ولی بشدت با همدیگر مرتبط هستند. با اجرای این پژوهش امید است ابزاری مناسب در اختیار نهادها، سازمانهای آموزشی و مدارس قرار گیرد تا آنان را قادر به ارزیابی فعالیتهای تربیتی خود با توجه به اهداف بکنند.

اسلام به عنوان یک مکتب دارای نظام تربیتی خاص خود است. این نظام تمایزات اساسی با سایر نظامهای تربیتی دارد. تبیین عناصر این نظام شامل: هدف، برنامه، روش، ارزشیابی و... مستلزم نظریه پردازی و استخراج این عناصر از متون و منابع معتبر دینی است. همانند بعد آموزش بعد پرورش نیز نیازمند ابزارهایی جهت سنجش و ارزشیابی است که شاخص ها نیز نوعی از این ابزارها هستند. شاخص های تربیتی ریشه در اهداف تربیتی دارند چون شاخص ها ابزاری جهت رسیدن به اهداف اند.

هدف از پژوهش حاضر بیان شاخص های تربیتی است که از آیات قرآن کریم استخراج شده و می توان از آنها جهت بهبود، رشد و تعالی فعالیت های تربیتی استفاده کرد.

بر اساس آیات قرآن کریم هدف از خلقت انسان، خداگونه شدن و عبد خدا بودن است یعنی هدف کلان تربیت، توحید و ادراک همراهی پیوسته و حضور مستمر حق است « هو معکم

■ کلید واژگان:

تربیت اسلامی، مؤلفه، شاخص

■ مقدمه:

این آسیبها نشان میدهد باید به مسائل آموزش و پرورش با دیدی جامعتر و سیستماتیک نگریست و توجه داشت که فعالیت بخش آموزش از سازمان به مقیاسی متفاوت بر فعالیت بخش پرورش اثر میگذارد و برعکس (پارسایان و اعرابی، ۱۳۷۹، ص ۱۴). در این راستا سؤالاتی مطرح می شود مانند: تا چه اندازه فعالیتهای تربیتی در سطح کلاس درس، مدرسه و نظام آموزشی از مطلوبیت برخوردار است؟

چگونه قوت یا ضعف نظامهای تربیتی را در مقایسه با یکدیگر می توان نمایان ساخت؟ و سؤالاتی از این قبیل نشان می دهد که ما علاوه بر پاسخگویی در بخش آموزش در بخش تربیت نیز باید پاسخگویی فعالیتهای انجام شده در مدارس باشیم. این امر زمانی معنا خواهد یافت که ما ارزشیابی جامعی از فعالیتهای تربیتی داشته، نواقص و کمبودهای تربیتی و فاصله ای که ما به لحاظ تربیتی تا وضعیت مطلوب و تعالی تربیتی داریم مشخص شده، بتوانیم با شفافیت در صدد رفع نواقص و بهبود کیفیت تربیت برآییم. بدین منظور نیازمند شاخص هایی هستیم که وضعیت تربیتی موجود را با آن شاخصها مورد ارزیابی قرار دهیم. در این پژوهش هدف ارائه این مؤلفه ها و شاخص های تربیتی است. این شاخص ها در هر یک از مکاتب تربیتی با توجه به دیدگاه آن مکتب نسبت به انسان و اهداف تربیتی تدوین می شود. بعنوان مثال در مکتب رفتارگرایی، هدف بررسی رفتار آشکار موجودات زنده است و انسان را نیز همچون دیگر موجودات زنده می دانند. لذا رفتار گرایان هدف از تعلیم و تربیت را کسب یا تغییر رفتارهای مختلف می دانند (سیف، ۱۳۷۲، ص ۲۰۵). از طرف دیگر شناخت گرایان توجه خود را معطوف به فرایندهای ذهنی کرده اند. از دیدگاه اینان رفتار حاصل فرایندهای ذهنی است. در این دیدگاه روانشناسان توجه به وجه تمایز انسان از سایر حیوانات یعنی عقل، تفکر و سایر فرایندهای

دستیابی به اهداف و آرمانهای تربیتی از نگرانیهای اصلی هر نظام آموزشی است. در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به سبب ویژگی اسلامی آن، دستیابی به اهداف تربیت دینی از جایگاهی ویژه برخوردار است. در هر یک از دو بخش آموزش و پرورش همانطور که در هدف گذاری دقت می شود، باید شاخص های مناسبی نیز با توجه به اهداف انتخاب شود. بویژه در بخش تربیت که چون تربیت ما دینی است و هدف گذاری آن از متن دین است شاخص هایی که جهت رسیدن به اهداف در نظر گرفته می شود باید با هدفها تناسب کامل داشته باشد. با وجود فعالیتهای اقدامات تربیتی که هم اکنون در مدارس صورت می گیرد ولی ارزشیابی و بازخورد گیری بیشتر مربوط به بخش آموزش است. در این بخش از انواع ارزشیابی و شاخص های آموزشی جهت تعیین میزان تحقق اهداف آموزشی استفاده می شود و همین امر باعث شده کیفیت آموزش بیش از تربیت بهبود یابد، چرا که نوع خاصی از ارزشیابی در فعالیتهای تربیتی مورد استفاده قرار نگرفته و ارزشیابی از این فعالیتهای بصورت صوری و بر اساس انتظارات اولیاء دانش آموزان یا قضاوتهای مدیران و مربیان تربیتی و ناظران انجام می گیرد. این امر باعث آسیبها و کاستی هایی در نظام حاکم بر آموزش و پرورش شده است از جمله: توجه بیش از حد به ظواهر امور و غفلت از حقایق، سطحی نگری در روشها و راهکارهای اصلاح و ارتقای تربیت دینی، انتظار نتایج سریع و فوری از تلاشها و اقدامات تربیتی، در محیطهای تربیتی بصورت تشکیلاتی برخورد کردن و بخشنامه های یکسان صادر کردن و... (ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

از تمام جنبه های تربیت اسلامی مانند تربیت عاطفی، سیاسی، اجتماعی، عقلانی، دینی و... نمی باشد، از طرفی این جنبه ها را بطور کامل نمی توان از هم تفکیک کرد لذا جنبه هایی از تربیت که بیشتر مربوط به حوزه اخلاق و دین است را بررسی کرده و شاخصهای آن ارائه خواهد شد.

هدف تربیت اسلامی رساندن انسان به مقام قرب الهی از طریق تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه و متوازن و متعادل بار آوردن انسان است که بتواند متخلق به اخلاق الهی و انبیاء و اولیاء شود (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳، ص ۳۸).

بنابر این هدف کلی از تربیت «خداگونه شدن» و رسیدن به مرحله ای است که انسان محبوب و مرضی خداوند متعال شود. جهت رسیدن به این هدف کلان و اهداف تربیتی دیگر نیازمند ابزاری تحت عنوان شاخص ها هستیم. حال این سؤال مطرح می شود که آیا اساسا دستیابی و استخراج شاخص های تربیتی امکانپذیر است؟ و از چه منابعی و چگونه؟

محور اصلی و هدف نهایی همه آموزه ها و معارف دینی، تربیت «انسان کامل» با ویژگی ها و مشخصاتی است که در منابع اصلی و اصیل دینی بدان تصریح شده است.

از منظر قرآن کریم انسان موجودی ارزشمند و کرامت یافته است «لقد کرمنا بنی آدم» که در بهترین و زیباترین اندازه گیری ها و قالبها آفریده شده است «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم». این انسان باید با برخورداری از توانمندی های شگرف و ظرفیت بیکرانه ای که در وجود او نهاده شده وبا استفاده از هدایت الهی سیر تکاملی خود را رقم زند و متخلق به اخلاق الهی شود تا غایت خلقت او که رسیدن

ذهنی کرده اند (سیف، ۱۳۷۲، ص ۲۰۵). اما در این بین اسلام نظری متعادل و مابین این دو دیدگاه بیان می کند. پیامبران ابتدا گرایشهای فطری و حقیقت جویی را در انسانها بیدار می کردند سپس با دادن شناخت و معرفت به انسانها زمینه عمل آگاهانه را فراهم می کردند. یعنی هر سه مؤلفه (مقوله) گرایشها و تمایلات، شناخت و معرفت (فرایند های ذهنی) و رفتار از نظر اسلام دارای اهمیت است. شناخت و تمایلات هر دو مقدمه رفتار اند، اگر چه که گرایشها به تنهایی نیز می تواند منجر به رفتار بشود ولی رفتار عالمانه فقط با شناخت و بصیرت ممکن است.

تربیت در اسلام: اهداف تعلیم و تربیت ناگزیر از نظریه ای درباره «انسان در جهان» و غایت زندگی و ارزش نهایی است که انسان باید در تمام زندگی خویش پی گیرد. چون انسان آفریده خداست پس غایت زیست انسانی نمی تواند فارغ از غایت آفرینش باشد و غایت آفرینش انسان لزوماً با غایت آفرینش جهان اختلاف و تعارضی ندارد بلکه مربوط و شاید یکسان باشد. قرآن نیز مقصد حرکت را صیورورت عالم و آدم بسوی خداوند معرفی می کند «الیه المصیر» و «الی الله المصیر» (علم الهدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹).

تربیت اسلامی نیز جهت الهی دارد و به تمام عوامل مؤثر در اندیشه، رفتار، جسم و روح انسان توجه دارد. تربیت از دیدگاه اسلام عبارتست از: «فراهم کردن زمینه ها و عوامل رشد و تکامل همه جانبه انسان و هدایت مسیر تکاملی او به سوی وجود کامل مطلق با برنامه ای منظم و سنجیده مبتنی بر اصول و محتوای از پیش تعیین شده. بنابراین تربیت فرایندی مداوم و پیوسته است که در تمام مراحل زندگی انسان مؤثر می باشد» (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳، ص ۳۵).

چون در این مقاله مجال بحث

به اوج خلیفه الهی و خداگونگی است، تحقق یابد (ذوعلم، ۱۳۸۰ ص ۲۴).

نظام آموزشی طراحی می شود» (encyclopedia; ۱۹۹۲; ۴۱۰: p).

بنابراین شاخص ابزاری است که برای توصیف و درک نظام آموزشی ضروری است ولی کافی نیست. شاخص ها به تنهایی نمی توانند مبنای سیاستگذاری و تصمیم گیری قرار گیرند، بلکه با نشان دادن نقاط قوت و ضعف، انجام بررسیهای کیفی و مشاهدات عینی را در نظام آموزشی الزامی می دارد (مشایخ، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲).

یونسکو شاخصها را به دو دسته کمی و کیفی تقسیم کرده و آنها را ابزاری برای اندازه گیری و نظارت بر نتایج و دستاوردهای مورد انتظار تعریف می کند و بیان می دارد که شاخصها میزان موفقیت یا پیشبرد اهداف را نشان میدهد (یونسکو، ۲۰۰۳، ص ۱۱).

منظور ما از شاخص در این پژوهش عناصر، معیارها و نشانه هایی است که مسیر تربیت را مشخص می کند و ما را در دستیابی به اهداف تربیتی کمک می نماید.

مؤلفه در لغت به معنای سازه، سازنده و تشکیل دهنده است (حق شناس و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۲۷۵) و در اصطلاح تعدادی امور مشابه تحت یک سازه را مؤلفه می نامند. در این پژوهش شاخص های مرتبط به هم تحت یک مؤلفه قرار می گیرد.

اکنون پس از بیان توضیحات لازم با استناد به آیات نورانی و هدایتگر قرآن کریم، شاخص های اساسی تربیت اسلامی بر شمرده می شود:

عبادت:

عبادت یعنی «انجام کاری به انگیزه و قصد تقرب الی الله» بنابر این روح عبادت و انگیزه اصلی آن قرب الهی است (کاردان و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۵۱۹).

اگر در اسلام، احکام و دستورات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هم وجود دارد همه مقدمه و ناظر به «تربیت انسان» است یعنی اسلام به تمام ابعاد تربیت توجه داشته و در آیات قرآن کریم و روایات معصومین صریحاً به آن اشاره شده است. لذا استخراج و استنباط شاخص های تربیتی از متن دین امری است کاملاً ممکن و بدون توجه به این شاخص ها سخن از تربیت دینی و نقد و ارزیابی نظام تربیتی موجود در جامعه تلاشی است بدون معیار و نتیجه.

اما منبع استخراج این شاخص ها عبارتست از: عقل، کتاب و سنت. البته ارزش و اعتبار کتاب آسمانی و سنت و سیره معصومین از طریق عقل ثابت می شود همانطور که حجیت و اعتبار عقل هم کاملاً مورد تایید و تاکید کتاب و سنت قرار گرفته است (ذوعلم، ۱۳۸۰ ص ۲۴). شاخص های برگرفته از این سه منبع شاخص های تربیت اسلامی است. نتیجه اینکه با بکار گیری شیوه علمی استنباط و استنتاج می توان شاخص های تربیتی را از منابع سه گانه عقل، کتاب و سنت استخراج کرد.

شاخص های تربیتی:

متغیرهای برنامه ریزی آموزشی را شاخص می نامند. شاخص در لغت به معنای برآمده، فرد ممتاز، نمودار و نماینده، علامت و مشخص کننده ظاهر آورده شده است. در برنامه ریزی به عنوان علامتی است که مسیر را مشخص می کند و ما را در دستیابی به هدف کمک می نماید (شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹).

دایره المعارف پژوهشهای آموزشی (۱۹۹۲) شاخص را چنین تعریف نموده است: «آماره ای مرتبط با سیاستهای آموزشی که بمنظور فراهم آوردن اطلاعات در باره رتبه، کیفیت و عملکرد

تواضع، انفاق، شب زنده داری و مناجات با خدا، رفق و مدارا، برخورد کریمانه با افراد نادان، عفت و پاکدامنی، رعایت حق حیات انسانها، توجه به اهداف تربیتی در خانواده و این قبیل ارزشها، خصوصیات و صفات عابدان است (ذوعلم، ۴۷، ۱۳۸۰).

هر کدام یک از ویژگیهای اشاره شده، می تواند به عنوان یک شاخص مستقل تلقی شود. که تنها به دو شاخص عفت و پاکدامنی و تواضع و فروتنی پرداخته می شود. رعایت موازین اخلاقی و شرعی توسط زنان و مردان نامحرم در برخورد با یکدیگر، توجه به حریم ها و حرمت های متقابل و پاکدامنی و عفت در رفتار، نگاه، پوشش و... (نور، آیات ۳۰ و ۳۱) از مهم ترین شاخص های تربیت دینی است.

نقض این حرمتها و حریم ها در قالبها و عناوین فریبده که در غرب جدید و جوامع غرب زده به یک هنجار تبدیل شده، ویژگی های دوران نوجوانی و جوانی و نیز گسترش ارتباطات و عوامل هجوم اخلاقی و فرهنگی غرب، ضرورت توجه به این شاخص تربیتی را در آموزش و پرورش مضاعف می سازد.

همچنین طبق آیات ۱۸ و ۱۹ سوره لقمان، ۵۴ مانده و ۳۶ نساء اجتناب از خود نمایی، فخر فروشی، برتری طلبی و خود بزرگ بینی و برخورداری از تواضع و فروتنی در برابر پدر، مادر و معلم از شاخصهای مهم تربیت دینی است (ذوعلم، ۱۳۸۰، ص ۵۷) که بویژه در نظام تربیتی آموزش و پرورش توجه بدان ضروری است.

کسانی که «تعبد» را در برابر «تعقل» می پندارند، در حقیقت معنای تحریف شده عبادت را پذیرفته اند و گرنه روح تعبد راستین،

عبادت در اصطلاح دو نوع است: عبادت خاص و عبادت عام. نوع اول صرفا بر اعمال شرعی خاصی نظیر نماز و روزه اطلاق می شود که به اصطلاح علم اصول «تعبدی» مقابل «توصلی» نامیده می شود و منظور از عبادت عام «هر گونه عملی است که به انگیزه قرب الهی انجام می گیرد» و مراد در اینجا همان معنای عام است که معنی اول را نیز در بر می گیرد (کاردان و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۵۲۰).

نتیجه اینکه عبادت تنها راه قرب الهی است و هر گونه عملی که مقدمه قرب باشد مانند گرایشها و تمایلات دارای کمال مقدمی است.

امام علی (ع) در حکمت ۱۱۳ نهج البلاغه سودمندترین عبادت را انجام واجبات معرفی میکند.

بر اساس نظر آیه الله جوادی آملی عبادت دو نوع است: عبادت بدنی و عبادت روحی که در قرآن به هر دو مورد اشاره شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰ ص ۱۲۵).

قرآن کریم می فرماید: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» جن و انس را فقط برای اینکه مرا بپرستند آفریدم (ذاریات، آیه ۵۶).

آیه کریمه هدف آفرینش را در «عبادت» منحصر می کند و حقیقت عبادت هم «تقرب» است. در نتیجه تنها هدف اصلی آفرینش «قرب الی الله» است. عبادت به معنی قرآنی آن از اصلی ترین شاخص های تربیت اسلامی است. آن چنانکه آیات ۶۳ تا پایان سوره فرقان، «عباد الرحمن» را توصیف می کند، بسی شاخصها و معیارهای تربیت اسلامی در همین عنصر ممتاز و برجسته نهفته است.

این معنی عمیق و گسترده از عبادت که در عمق خود انسان را به ربوبیت سوق می دهد، متکی بر عناصر بینشی و اعتقادی و ارزشهای فردی و اجتماعی است.

جز بر مبنای تعقل و معرفت حقیقی، نمی تواند تحقق یابد که «انما یخشی الله من عباده العلماء» (فاطر، آیه ۲۸) یعنی معرفت، شناخت و تعقل انسان را بسوی تعبد می کشاند.

و ۶۹ عنکبوت

«انما المؤمنون الذین آمنوا بالله ورسوله ثم لم يرتابوا وجاهدوا بأموالهم وأنفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون»

«والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا وإن الله لمع المحسنین»

نتیجه بخش بودن قطعی مجاهدت در راه خدا را مورد تأکید قرار می دهد و کسانی را به راستی مسلمان می داند که با پشتوانه و دستمایه ایمان و معرفت به جهاد و تلاش می پردازند. البته نگاه اسلام به عمل تنها جنبه کمی و فیزیکی آن نیست بلکه برخورداری از اخلاص و صداقت، روح عمل و عامل ارزش یافتن آن تلقی میشود.

اگر خلقت جن و انس برای عبادت بوده است، حقیقت این عبادت، بدون معرفت تحقق نخواهد یافت (طبا طبایی، ج ۱۸، ص ۳۹۴).

بنابر این میزان عمل گرایی دانش آموزان خود به عنوان یک شاخص می باشد. پیامبر اسلام از سوی خدا مأمور می شود صریحاً اعلام کند که حرکت او و پیروانش بر مبنای بصیرت و روشن بینی است.

«قل هذه سبیلی أدعوا إلی الله علی بصیره أنا و من اتبعنی»
(یوسف، آیه ۸۰۱)

بگو این راه من است، من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را بسوی خدا دعوت می کنیم.

در این آیه خداوند به پیامبر خویش می فرماید که اعلام کن راه خدا، دعوت به توحید خالص همراه با بصیرت و بینایی است و اگر کسی می خواهد به آن قله رفیع برسد باید به دعوت پیامبر خدا پاسخ مثبت دهد.

نکته ای که در این آیه شایان توجه است، این است که بار دعوت به سوی خداوند تنها بر دوش

بینش و بصیرت: بصیرت در لغت به معنای بینش و بینایی است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۲۷۱) و در اصطلاح روشن بینی در دین است (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۹۳). چون بصیرت چراغ راهی است که در تاریکی ها راه را بر انسان روشن می سازد و او را از خطر افتادن و لغزش نگاه می دارد.

برای کسب بصیرت در دین باید در دو ناحیه تلاش کرد:

۱- ناحیه علم و آگاهی: هر قدر انسان با معارف و آموزه های دینی و الهی و با محتوای پیام خداوند و قرآن کریم و گفتار و عمل و سیره معصومین بیشتر آشنا گردد زمینه بصیرت و روشن بینی در دین بیشتر برای او فراهم می گردد. نیز مطالعه و تفکر در اصول اعتقادی به این امر کمک می کند.

۲- ناحیه عمل و بکار بستن آگاهی: عمل به آنچه از دین فرا گرفته ایم بویژه انجام واجبات و ترک محرمات که درجه ای از تقوی و پرهیزگاری می باشد در کسب بصیرت و روشن بینی نقش کلیدی دارد و اصولاً بصیرت از ثمرات و آثار مستقیم تقوا و پرهیزگاری است (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۹۴).

خداوند در قرآن می فرماید: «إن تتقوا الله یجعل لکم فرقاناً»

اگر تقوی بورزید خداوند قوه تشخیص و جدا سازی حق از باطل به شما عنایت می کند (انفال، آیه ۲۹).

بنابر این تربیت اسلامی مستلزم عمل گرایی و برخورداری از روحیه تلاش و فعالیت و مجاهدت در راه خداست. قرآن کریم در آیات ۱۵ حجرات

پیامبر نیست بلکه بر دوش پیروان او نیز هست. البته کسی می تواند این منصب سنگین و بزرگ را عهده دار گردد که مانند پیامبر از هر شرکی پاک شده و دارای علم و بصیرت و یقین به مقام خداوند باشد، نه هر کسی که ادعای پیروی دارد یا طبق آیه «قد تبین الرشد من الغی» (بقره، آیه ۲۵۶) (راه درست از راه انحرافی روشن شده است)، راه رشد و کمال از مسیر انحطاط و گمراهی باز شناخته شده و لذا اساس حرکت انسان به سوی کمال و رشد نمی تواند بر جهل و نادانی استوار باشد.

علم و دانش:

همچنین فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصین» علم را پی جویی کنید و لو مستلزم این باشد که تا چین سفر کنید. یعنی علم مکان معین ندارد هر نقطه جهان که علم است بروید و اقتباس کنید.

باز فرمود: «کلمه الحکمه ضاله المؤمن فحیث وجدها فهو احق بها» سخن علمی و حکیمانه گمشده مؤمن است هر جا آنرا بیابد برمی دارد، مؤمن نیز علم را مال خود می داند در دست هر که ببیند آن را می گیرد. از نظر اسلام علم فریضه ایست که نه از لحاظ متعلم و نه از لحاظ معلم و نه از لحاظ زمان و نه از لحاظ مکان محدودیت ندارد و این عالیترین توصیه ای است که می توانسته بشود و شده است (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۲۷۶).

البته آنچه امروزه غالباً بعنوان مصرف مقلدانه دانش دیگران در مراکز آموزشی ما می گذرد فاصله زیاد مارا با تربیت اسلامی و تولید علم و تفکر علمی که در اسلام مطرح است و ریشه در منابع اسلامی دارد را نشان می دهد (ذو علم، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

تفکر و تعقل:

اهل نظر فکر را «قوه کوبنده علم به سوی معلوم» (راغب اصفهانی، ص ۶۴۳) و تفکر را «کوشش این قوه برحسب نظر عقل» (راغب اصفهانی، ص ۶۴۳)، «زیر بنای حیاة انسانی» (طباطبایی، ج ۵، ص ۲۵۹) و «شگفت انگیز ترین اعمال ذهنی» (مطهری، ج ۵، ص ۹۹)

می توان بطور خلاصه علم را چنین تعریف نمود: «حضور شیعی یا صورت آن نزد عالم». حضور خود شیعی در علم حضوری است و حضور صورتش در علم حصولی (کاردان و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۴۱۸).

بنا بر تعریف دیگر علم نقطه مقابل جهل و به معنای وضوح و ثبوت چیزی آمده است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۶۳).

قرآن کریم نیز در آیه «هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» (زمر، آیه ۹) به برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند تصریح کرده است. در سوره طه آیه ۱۱۴ «وقل رب زدنی علماً» به پیامبر اکرم (ص) امر می شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند و در آیات دیگر قرآن کریم مانند بقره آیه ۲۸۰، نحل آیه ۹۵ و عنکبوت آیه ۱۵ و... همواره کسانی که اهل علم و آگاهی نیستند، سرزنش می شوند و همین کاستی علت بسیاری از کاستی های دیگر شمرده می شود.

علاوه بر آیات قرآن کریم، مؤکد ترین و صریح ترین توصیه های رسول خدا درباره علم است. این جمله از مسلمات همه مسلمانهاست که رسول خدا فرمود: «طلب العلم فریضه

بشر معرفی کرده اند.

الصم البکم الذین لا یعقلون» (انفال، آیه ۲۲) ،
«و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی
أصحاب السعیر» (ملک، آیه ۱۰) کسانی را
که اهل تعقل نیستند بدترین جنیندگان معرفی
میکند و علت انحطاط اهل دوزخ را عدم تعقل
می داند.

بنا بر فرموده قرآن کریم اولین گام در قیام
الله تفکر است (سبأ، آیه ۴۶) و انسان به تفکر در
خویشتن و جهان اطراف خود دعوت شده است
«سنریهم آیاتنا فی الأفاق و فی أنفسهم
حتی یتبین لهم أنه الحق» (فصلت، آیه ۵۳).

بنابر این بدون تفکر رشد الهی انسان تحقق
نمی یابد و تفکر ابزاری است که آدمی را از
تاریکی جهل به سوی روشنایی علم و معرفت
خارج ساخته و بینش و وسعت نظر به او می
بخشد یعنی انسان با تفکر در خداوند، خویشتن
و جهان اطراف به معرفت و بینش نایل خواهد
شد. پرورش قوه تفکر دانش آموزان آنها را به
سمت و سوی نقد و ارزیابی و تحقیق و پژوهش
می کشاند.

شاخص نقد و ارزیابی: نقد به معنی جدا
کردن خوب از بد و ظاهر ساختن عیوب یا
محاسن کلام است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۱۱۶۷).
ارزیابی عبارت است از مقایسه آنچه که
انجام شده با آنچه که باید انجام گیرد، جهت
شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه ها (اعرافی و
همکاران، ۱۳۸۰، ص ۲۸۵).

قرآن کریم در آیه «و اذا قیل لهم اتبعوا
ما انزل الله قالوا ما نتبع ما لئینا علیه آباننا
أو لو کان آباءهم لا یعقلون شیئاً و لا
یهتدون» (بقره، آیه ۱۷۰) با اشاره به استدلال
مشرکان، که پیروی روش پدرانشان را برای رد
دعوت پیامبران مطرح می کنند، تلویحاً آنان را
به بازنگری و ارزیابی روش و مسلک گذشتگان
فرا می خواند که اگر روش آنان با معیارهای
فطری و عقلی سازگار بود آن را بپذیرند و الا

تفکر به معنای «رسیدن به مجهول و حل
آن از طریق معلومات متناسب» در اسلام پایگاه
ارزشمندی دارد (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۸۶)

به فرموده امام علی (ع) «تفکر انسان را به
سمت نیکویی و عمل دعوت می کند تا آنجا که
ساعتی تفکر برتر از عبادت یکسال برشمرده
شده است» (سجادی، ۱۳۸۴، ص ۳۸). اساس
پذیرش دین تعقل، تفکر و انتخاب آگاهانه است
و بر همین مبنا اصول دین تعبدی نیست .

از نظر اسلام انسان با توانایی برگرفته از
عقل و اندیشه به عمق امور پی می برد. اینکه
در قرآن و روایات پرورش این توانایی و استفاده
از آن در فهم دین مورد تأکید قرار گرفته نشان
دهنده نقش عقل در فهم حقایق و تکالیف دینی
است .

در قرآن تفکر و تعقل هدف فهم آیات الهی
است. این شاخص به عنوان یک شاخص زیر
بنایی اگر به آن توجه نشود، ریشه ها و بنیه
اصلی تدین دچار فرو گاهی و سستی خواهد
شد. «افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب
اغفالها» (محمد، آیه ۲۴) آیا آنها در قرآن تدبر
نمی کنند یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است.
قرآن کریم مردمان را حتی به تدبر و تامل در
آیات الهی فرا می خواند و کسانی را که بدون
تعقل و ژرف اندیشی با آیات خدا برخورد
می کنند مورد سرزنش قرار میدهد.

این کتاب آسمانی تنها برای تلاوت
نیست، بلکه هدف نهایی آن ذکر (یادآوری)،
تدبر (بررسی عواقب و نتایج کار)، انذار (بیم دادن)
و خارج کردن انسانها از ظلمت به نور هدایت
است که در آیات متعدد به آنها اشاره شده
است.

همچنین در آیات «إن شر الدواب عند الله

می فرماید: «هنالك

الولاية لله الحق». این آیات بیانگر آن است که یکی از خصوصیات تربیتی فرد مسلمان، پذیرفتن ولایت خداوند

متعال، رسول اکرم(ص) و معصومین و کسانی است که در ویژگی ها و خصوصیات اعتقادی و علمی و رفتاری در مسیر آن بزرگواران قرار دارند. ولایت پذیری به معنی زور پذیری و تسلیم بی قید و شرط در برابر نظام حکومتی و حکومت کنندگان نیست، بلکه به معنای قبول حاکمیت علم و عدالت و مشارکت برای تحقق شایسته سالاری و اشراف نخبگان ذی صلاح بر زمام امور جامعه است(ذو علم، ۱۳۸۰، ص ۵۰).

این شاخص بخصوص در جوامعی همچون جامعه ما که در گذشته های طولانی از حاکمیت زورمندان و مستبدان، رنج برده اند و خود به خود روحیه ای ضد نظام حکومتی در لایه های ذهنی جامعه شکل گرفته است بسیار ظریف و حساس است و تعمیم و تعمیق ولایت پذیری مبتنی بر بصیرت و معرفت و تعقل و نقادی، کاری است دشوار و در عین حال ضروری. قرآن کریم در آیه ۳۵ سوره احزاب پس از آنکه اوصاف اصلی مردان و زنان مؤمن را بر می شمارد بلافاصله در آیه بعدی سخن از ولایت پذیری به میان آورده است: «و ما کان لمؤمن و لا مؤمنة إذا قضی الله و رسوله امرأ أن یکون لهم الخیره...» تأملی در سیاق این دو آیه و ترتیب آن نشان می دهد تحقق اوصاف برجسته ایمانی شرط لازم برای تحقق ولایت پذیری در حد اعلای آن است(ذو علم، ۱۳۸۰، ص ۵۰). یعنی افرادی شاخص ولایت پذیری را دارند که دارای صفات عالیه ایمانی باشند که زیر بنای آن معرفت و بصیرت است. کسانی که ولایت پذیری را تنها برای عوام لازم می شمارند، در حقیقت به مقتضای معنای عوامانه ولایت، داوری میکنند وگر نه در معنی

در آیه دیگر «فلینظر الانسان الی طعامه»(عبس، آیه ۲۴) هم دقت و نگاه نقادانه در مهمترین کارهای حیاتی انسان را گوشزد کرده و نسبت به تبعیت و تقلید کورکورانه و محض دیگران هشدار میدهد. در روایات همچنین موضوع نقد و بازنگری مستمر و محاسبه نفس بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی(ع) در خطبه ۲۲۲ نهج البلاغه می فرماید: «فحاسب نفسك لنفسک فإن غیرها من النفس لها حسیب غیرک» پس اکنون به خاطر خودت حساب خویش را بررسی کن زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو دارند. وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز که می تواند به عنوان شاخص مستقلى مطرح شود مستلزم نقد و ارزیابی مستمر اوضاع جامعه اسلامی است. پرورش روحیه نقد و ارزیابی در دانش آموزان آنها را به سمت تفکر، تحقیق و پژوهش سوق می دهد.

شاخص ولایت پذیری: ولایت از ماده ولی به معنای قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله ای در کار نباشد، یعنی اگر دو چیز آن چنان به هم متصل باشند که هیچ فاصله ای در میان آنها نباشد ولی به کار برده می شود (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

در تعریف دیگر ولایت به معنی تصدی و صاحب اختیاری است و از نظر اسلام دو نوع ولایت وجود دارد:

۱- ولایت منفی که اجتناب از همدلی با کفار و منافقان و طاغوت است.

۲- ولایت مثبت که در راستای ولایت الهی است(مطهری، ۱۳۷۸، ص ۴۲).

آیه ۵۹ از سوره نساء می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» و آیه ۴۴ سوره کهف

حقیقی ولایت این عقلا و نجبگان اند که در صف مقدم ولایت پذیری قرار دارند.

شاخص حب الهی: مطهری به نقل از کتاب «احیاء علوم الدین» غزالی حب و بغض را اینگونه تعریف می کند: «حب عبارتست از میل طبع به شیئی که در ادراکش لذت است و بغض عبارتست از نفرت طبع به شیئی که در ادراکش درد، تعب و سختی نهفته باشد» (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۷۵).

در جای دیگر مطهری به نقل از صدرالمآلهین محبت را همین گونه با عبارت و بیان دیگر چنین تعریف کرده اند: «محبت عبارتست از ابتهاج (بهجت و سرور) به شیئی که موافق با طبیعت انسان باشد، اعم از اینکه آن شیئی یک امر عقلی باشد یا حسی، حقیقی باشد یا ظنی» (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۳۴).

محبت راهی است به سوی همشکلی و همسانی و محبت طریقی است برای دستیابی به کمال مطلوب. بنابر این دوست داشتن نیازی اصیل برای آدمی است.

آمیختگی فطرت انسان با محبت دلیلی است بر وجود محبت در ذات اقدس الهی زیرا نمی توان پذیرفت که محبت بدون آنکه در خداوند سبحان باشد آن را در آدمی به ودیعت بگذارد. به عبارت دیگر وقتی خداوند به بنده ای از رحمت بیکران خود لطف می کند، در حقیقت او را مورد محبت خویش قرار داده است.

برای یک فرد مسلمان، مهمترین شاخص رشد و تعالی اخلاقی و تربیتی این است که محبوب خدا باشد و با رفتار و ویژگیهای خود حب الهی را بدست آورده باشد. در قرآن کریم آیه ۳۱ آل عمران «قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله» رسیدن به این نقطه، مستلزم پیروی و تبعیت محض از نمود عالی و عینی اسلام یعنی نبی اکرم (ص) شمرده شده

است. از سوی دیگر این شاخص زیر بنای سایر شاخصهاست. اینکه از نظر احادیثی مانند: «هل الدین الا الحب؟» اساس و جوهر دین در حب و عشق خلاصه شده، مطلب گزافی نیست و در تربیت اسلامی ریشه دار کردن این محبت و متمرکز کردن توجه قلبی و عشق درونی در حضرت حق ارزشی اساسی است. البته تقویت و تعمیق عشق و حب حقیقی، در گرو معرفت و عبادت است که بدون این دو عنصر، حب الهی از سطح احساس غریزی و فطری چندان فراتر نخواهد رفت همچنانکه در آیه ۱۶۵ سوره بقره می فرمایند: «والذین آمنوا أشد حبا لله».

شاخص تعهد و مسؤولیت شناسی اجتماعی: منظور از تعهد و مسؤولیت شناسی اجتماعی این است که دانش آموزان پس از آموزش بتوانند در جامعه اظهار نظر، ایفای نقش و انتقاد سازنده کنند و مهارتهای اجتماعی، همچنین روحیه گروه گرایی دانش آموزان در پی آن حس همکاری و مشارکت تقویت شود (سلطانی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵).

از مهمترین شاخص های تربیت اسلامی، احساس و وظیفه در برابر جامعه و توجه به تعهد و مسؤولیت اجتماعی است. «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (توبه، آیه ۷۱) امر به معروف و نهی از منکر که برخاسته از رابطه برادری اسلامی و ولایت متقابل اعضای جامعه است و ضرورت حفظ و حراست از حدود الهی در جامعه که در آیات فراوانی از قرآن کریم ذکر شده است، اهمیت این شاخص را نشان می دهد. اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند مسؤل و متعهد می داند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسؤل و متعهد می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسؤل نیستی تو در مقابل اجتماع خویش هم مسؤولیت و تعهد داری (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۶۶).

مورد توجه قرار می دهند. برخلاف رفتار گرایان برای شناخت گرایان رفتار آشکار فرد مورد توجه نیست بلکه علاقه آنها

بیشتر معطوف به فرایندهای ذهنی است که به اعتقاد آنان رفتار ناشی از آنهاست. از این رو هدف تعلیم و تربیت برای شناخت گرایان تغییرات حاصل در فرایندهای درونی و ذهنی شخص است نه ایجاد تغییر در رفتارهای آشکار (اوسیف، ۱۳۷۲، ص ۲۰۶).

این روانشناسان اگر چه به فرایندهای ذهنی که یکی از مبانی اصلی شکل گیری رفتار است توجه دارند ولی از تمایلات و علائق غافل شده اند. از طرفی فرایندهای ذهنی به راحتی قابل سنجش و اندازه گیری نیستند. مکتب اسلام از جهتی مشابه رفتار گرایان و شناخت گرایان و از جهتی با آنان متفاوت است. چون اسلام به رفتارهای دینی و فرایندهای ذهنی توجه داشته و این دو را با تمایلات و انگیزه ها نیز آمیخته می کند. تأملی در روش تربیتی پیامبر اسلام مؤید این مطلب است. ایشان در سنین پایین که شروع تربیت دینی است و استفاده از استدلال عقلانی (شناخت) ممکن نیست، به جای تکیه بر برهان و استدلال ابتدا بر عمل تکیه می کردند و با مهربانی و لطافت کلام، مردم را قلباً به دین متمایل می کردند و قبل از بحث و گفتگو درباره دین، فلسفه و فواید آن دعوت به اقامه نماز می کردند (یعنی عمل توأم با ایجاد علاقه و انگیزه) و سپس باب بحث و گفتگو را می گشودند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵).

استدلال عقلی و اقامه برهان اگر چه می تواند بعد شناختی دین (اعم از شناخت خداوند، جهان، انسان و معاد و...) را بهبود بخشد و به استحکام آن کمک کند اما به تنهایی دانش آموزان را به انجام دادن عمل و تکالیف دینی

با نگاهی بر آیات زیر روشن می شود که انفاق و تأمین مایحتاج نیازمندان آن هم بدون منت و آزار روحی به آنان، اصلاح بین مردم در منازعات و اختلافات و توجه به یتیمان و افراد بدون سرپرست از مصادیق دیگر این شاخص مهم است که در آیات قرآن بر روی آن تأکید شده است.

«یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والانی.....» (بقره، آیه ۲۶۴)

«انما المؤمنون إخوة فاصلحوا بین اخویکم» (حجرات، آیه ۱۰) و «و اذا حضر القسمة اولوا القربی و الیتامی و المساکین فارزقوهم منه» (نساء، آیه ۸)

نقد و بررسی هر یک از مکاتب تربیت در گذشته و حال هدفهایی برای فرایند تعلیم و تربیت معرفی می کنند. در مقاله به دو مکتب مهم روانشناسی، مکتب رفتار گرایی و شناخت گرایی اشاره شده به نظر رفتار گرایان هدف تعلیم و تربیت کسب رفتارهای مختلف است و پدیده های دیگر روانشناختی از جمله احساس، ادراک، اندیشه و سایر فرایندهای ذهنی را در پرتو رفتار آشکار مورد بحث و بررسی قرار می دهند. به همین جهت این روانشناسان یادگیری را تغییر در رفتار تعریف می کنند (سیف، ۱۳۷۲، ص ۲۰۵).

محدودیت این دیدگاه آن است که توجهی به ذهن و فرایندهای آن و تمایلات، علائق و انگیزه در دانش آموزان ندارد و تنها بر اساس رفتارهای شخص در مورد ذهن یا نگرش او قضاوت می کند. از جمله محاسن این دیدگاه آن است که چون رفتار قابل مشاهده و عینی است، با آزمونها و مشاهده به راحتی می توان رفتار فرد را اندازه گیری کرد.

شناخت گرایان، رفتار را به صورت وسیله یا سر نخ برای استنباط و استنتاج پدیده های شناختی یا آنچه در ذهن انسان می گذرد

در روایات آمده است «انما الاعمال بالنیات» همانا قوام عمل به نیت و انگیزه هاست (شانه چی، ۱۳۸۰ ص ۳۵).

نیت عبارتست از انگیزه آگاهانه که در تحقق فعل تأثیر دارد. از این رو گرایش، انگیزش و تمایلها از ابعاد مهم شخصیت انسان است و نقش بنیادین در رفتار دارد. تعلیم و تربیت می تواند با تنظیم این گرایشها، ترجیح مهمترین آنها و نیز تقویت گرایشهای عالی انسانی و فطرت الهی در راه تربیت انسان کامل گام بردارد.

همچنین روایات ما بیانگر آن است که شناخت و عمل در کنار هم مفیدند و امام علی (ع) می فرمایند: «از ایمان راه به سوی کارهای شایسته برده می شود و از کارهای شایسته راه بسوی ایمان (ایمان و عمل لازم و ملزوم یکدیگرند) و با ایمان است که علم و معرفت آباد می شود (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۵۹). یا در روایت دیگر پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «ایمان گفتاری است که به زبان رانده شود و عملی که صورت پذیرد و شناخت به وسیله خردها» (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶۲).

نیز در برخی روایات ما از عمل بدون شناخت نکوهش شده است. امام علی (ع) می فرمایند: «در عبادتی که با شناخت توأم نباشد، خیری نهفته نیست» (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۴۱۵).

امام سجاده (ع) نیز همین سخن را چنین بیان کرده اند: «هیچ عبادتی جز با شناخت ارزش ندارد» در اسلام آنقدر علم و علماء ارزشمندند که حتی نگاه کردن به چهره عالم هم عبادت شمرده شده است» (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۴۲۳).

در مجموع می توان گفت فرایندهای ذهنی (شناخت و معرفت) و انگیزه و تمایل به انجام عمل، مهمترین عوامل مؤثر در شکل

و التزام به بایدهای دین ملزم نمی کند. اگر چه عقل، شناخت و معرفت پشتوانه محکمی برای از بین بردن تردیدهای دینی است و از دینداری احساسی و تقلیدی و بسیاری از آسیبهای دینداری پیشگیری می کند اما استدلالی عمل کردن دلیل بر وجود انگیزه درونی برای عمل نیست. لذا مریبان باید ابتدا با فراهم کردن محیط مناسب و ارائه الگوهای تربیتی و ایجاد عادات نیک و بیدار کردن فطرتها زمینه تربیت دینی را فراهم کنند و سپس برای فراهم شدن پایه های اعتقادی و از میان بردن تردیدها و پرهیز از دینداری سطحی دانش آموزان به مباحث عقلی و اقامه برهان بپردازند. بنابر این آنچه رفتار را شکل می دهد تنها لایه ها و فرایندهای ذهنی فرد که ناشی از علم و دانش اوست نیست بلکه هم معرفت و شناخت و هم علاقه، انگیزه و تمایل به انجام کار رفتار فرد را شکل می دهد. به عبارت دیگر مجموع فعالیتهای روانی، احساسات، افکار (ذهنی) و عواطف اند که رفتار و کردار هر فرد نمودار و ترجمان آن فعالیتهاست. آیات و روایات نیز این مطلب را تأیید می کند.

از نظر اسلام انسان علاوه بر غرایز حیوانی مشترک، دارای ویژگیهای مختص، نظیر حقیقت جویی، فضیلت خواهی، زیبایی طلبی، جامعه گرایی و خداپرستی است که اصالتاً و فطرتاً در نهاد وی نهفته است. همچنین خداگرایی و تعلق قلبی به ماورای طبیعت به ویژه دین فطری و ذاتی انسان است «فطره الله التي فطر الناس علیها» (روم، آیه ۳۰). بنابراین گرایشهای ویژه انسان فطری و اصیل است و این ادعا ریشه و هسته محوری معارف اسلام است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۴۰).

کمال انسان رابطه خاصی با نیت (انگیزه انجام عمل) که برخاسته از این گرایشهاست دارد.

گیری رفتاراند، هر چه شناخت و معرفت بیشتر شود حب الهی و گرایشهای اصیل و فطری در انسان قویتر شده و انسان را به سوی عمل صالح می کشاند نمود عینی تربیت در رفتار است بنابراین اگر بخواهیم دانش آموزان ما تربیت اسلامی داشته باشند ، باید بر زیر بناهای رفتار یعنی معرفت و تمایلات و حب الهی تأکید کرد البته این به معنی آن نیست که توجهی به رفتار نکنیم.

عینیت خارجی این شاخصها امری است نسبی که همواره قابلیت رشد و تعمیق خواهد داشت. البته هرچه ابزارها و تجربه های علمی بشر درباره راهکارهای تحقق این شاخص ها بیشتر شناخته و بکار گرفته شود، تعمیم و تحقق آن عملی تر خواهد شد.

پیشنهادها و توصیه های کاربردی :

- مدیران آموزشی در وهله اول باید متخصص تعلیم و تربیت ، معلم و مربی باشند و به جای کنترل آگاهی به پرورش آگاهی ها و تربیت و آماده سازی دانش آموزان بپردازند.

- شناسایی فزاینده مدیریت و مدیران آموزشی بعنوان ابزاری برای تحقق هدفهای تربیتی

- باید برنامه ریزی های تربیتی بر اساس باورهای ارزش مدار و بر مبنای دین اسلام صورت گیرد.

- برنامه ریزی جهت افزایش نقش تربیتی خانواده و همکاری فعال مدرسه با خانواده در انجام ارزیابی تربیتی

- انجام تحقیقات کاربردی تربیتی در آموزش و پرورش

- مؤلفه ها و شاخص های ارائه شده طی یک یا چند پژوهش دیگر عملیاتی شود.

- افزایش ارتباط متقابل اولیاء با متخصصان علوم تربیتی و عالمان دینی جهت اصلاح برخی نگرشهای غلط تربیتی

تربیت مبتنی بر اسلام مثلثی است که سه ضلع آن رفتار، فرایندهای ذهنی (معرفت و شناخت) و تمایلات و انگیزه هاست. هر سه ضلع این مثلث جهت تربیت لازم و مکمل یکدیگر بوده و جهت آنها هم به سمت توحید و یگانگی خداوند است. شاخص های ارائه شده تحت این سه مؤلفه قرار گرفته و در زیر نشان داده شده است.

عمل و رفتار

- تعهد و مسؤلیت شناسی اجتماعی
- عمل گرایی
- عفت و پاکدامنی
- امر به معروف و نهی از منکر
- عبادت

فرایندهای ذهنی

- علم و دانش
- تفکر و تعقل
- معرفت و بصیرت
- نقد و ارزیابی

گرایشها و تمایلات

- حب الهی
- ولایت پذیری



منابع فارسی:

کلینی رازی، محمد (۱۳۶۵)
 الکافی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه
 مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴) بخارا لاتوار، ج
 ۲۷، بیروت: مؤسسه دارالوقاه
 طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۲) میزان فی
 تفسیر القرآن، ج ۱
 طباطبائی، حسین (۱۳۶۲) میزان فی تفسیر
 القرآن، ج ۵
 طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۲) میزان فی
 تفسیر القرآن، ج ۱۸

Encyclopedia of educational re
 search (۱۹۹۷)، vol. ۲، N.Y. Macmillan
 Publishing comp.
 ERIC: Data_Base (۱۹۹۸ - ۱۹۹۷) search on: component
 \$ indicators.
 UNESCO: Data_Base (۲۰۰۳ - ۲۰۰۰)
 search on: Quantitative \$
 Qualitative Indicators.

قرآن کریم
 امام علی (ع) نهج البلاغه، ترجمه محمد
 دشتی (۱۳۷۸)، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیر
 المومنین (ع)
 ابراهیم زاده عسبی (۱۳۸۳) فلسفه تربیت (رشته
 علوم تربیتی)، تهران: دانشگاه پیام نور
 استونر، جیمز ای. اف. فری من. ارادوار، گیلبرت.
 دانیل ازل (۱۹۹۵) مقدمه ای بر مدیریت، مدیریت
 در قرن بیست و یکم، برنامه ریزی، ترجمه
 علی یارسیان و سید محمد اعرابی
 (۱۳۷۹)، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی
 اعرافی، علی رضا و همکاران (۱۳۸۰) مجموعه
 مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی
 (ع)، تهران: تربیت اسلامی
 الراغب الآصفهانی، ابو القاسم حسین بن
 محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق
 و ضبط محمد سید گیلانی، المکتبه المر
 نضویه، تهران: ص ۱۸۴
 بازرگان، عباس (۱۳۷۴) ارزشیابی آموزشی، تهران:
 سمت

- ۱- مائده
- ۲- اسراء آیه ۷۰
- ۳- تین آیه ۴
- ۴- indicator
- ۵- Component
- ۶- آذله علی المؤمنین
- ۷- و بالوالدین احسانا
- ۸- بگو پرورد گارا علم مرا بیفزا
- ۹- آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی
 دانند برابر اند؟

- ۱۰- ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید
 از خداوند و رسول او و صاحبان امر از ایشان
- ۱۱- ولایت از آن خداوند بر حق است.
- ۱۲- از امام صادق (ع) بخارا لاتوار، ج ۲۷، ص ۹۵
- ۱۳- کسانی که ایمان آورده اند شدیدترین حب
 شان به خداوند است
- ۱۴- مردان و زنان مؤمن یکدیگر را امر به
 نیکیها و نهی از بدیها می کنند
- ۱۵- ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات
 خود را با منت و اذیت باطل نکنید
- ۱۶- همانا مؤمنان برادر یکدیگر اند پس بین
 برادران خویش را اصلاح می کنند
- ۱۷- اگر به هنگام تقسیم ارث خویشاوندان و
 یتیمان و مستمندان حضور داشته باشند چیزی از
 اموال به آنها بدهید
- ۱۸- فطرت خداوند که فطرت انسانها هم بر
 اوست.
- ۱۹- پیامبر اکرم (ص) فرمود: نگرستن به
 چهار عالم عبادت است.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰) تفسیر موضوعی
 قرآن، ج ۱۲، قم: اسراء
 حق شناس و همکاران (۱۳۸۳) فرهنگ معاصر
 هزاره انگلیسی - فارسی، تهران: فرهنگ معاصر
 ذو علم، علی (۱۳۸۰) شاخص های تربیت دینی از
 نگاه قرآن کریم، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
 اسلامی
 سجادی، سید مهدی (۱۳۸۴) تبیین و ارزیابی
 رویکرد عقلانی به تربیت دینی، فصلنامه نوآوری
 های آموزشی، ش ۱۱
 سعیدی، محمود و کیانی، نژاد، علیرا (۱۳۸۲).
 بررسی عوامل تأثیرات نامطلوب درس بینش
 اسلامی، نشر محراب قلم
 سلطانی، ایرج (۱۳۸۰) ارائه الگوی پویای
 ارزیابی رشد اجتماعی و مسؤلیت پذیری دانش
 آموزان، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش
 شماره های ۳۹، ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ ص ۲۴۶ - ۲۴۴
 سیف، علی اکبر (۱۳۸۳) اندازه گیری، سنجش و
 ارزشیابی آموزشی، تهران: نشر دوران
 سیف، علی اکبر (۱۳۸۳) روانشناسی تربیتی، تهران
 : نشر آگاه

شانه چی، کاظم (۱۳۸۰) علم الحدیث و درایه
 الحدیث، قم: دارالحدیث
 شعبانی، حسین (۱۳۸۲) مقدمات برنامه ریزی
 آموزشی، تهران: رشد
 علم الهدی، جمیله (۱۳۸۶) اهداف تعلیم و تربیت
 در اسلام، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی
 عمید، حسن (۱۳۶۳) فرهنگ عمید، تهران: امیر

کاتب
 کارزان و همکاران (۱۳۸۲) فلسفه تعلیم و
 تربیت، ج ۱، تهران: سمت
 شایع، فرید (۱۳۷۹)، دیدگاههای نو در برنامه
 ریزی آموزشی، تهران: سمت
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۸) و لامها و ولایتها
 ، قم: صدرا
 مطهری، مرتضی (۱۳۶۷) جاذبه و دافعه امام علی
 (ع)، قم: صدرا
 مطهری، مرتضی (۱۳۸۰) ده گفتار، قم: صدرا
 مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مجموعه آثار شهید
 مطهری، ج ۱۷، قم: صدرا
 مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مجموعه آثار شهید
 مطهری، ج ۵، قم: صدرا
 مطهری، مرتضی (۱۳۶۷) انسان کامل، قم: صدرا
 محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷) میزان
 الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، ج ۱
 قم: دارالحدیث
 محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷) میزان
 الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، ج ۲
 قم: دارالحدیث
 منابع عربی: